

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشان

نامه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴

شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۲۳

تک شماره ۴ ربال

قل از روزنامه داد

نغمه ((دیلی نیوز)) تهران!؟

داستان کامل عملیات ستون پنجم در ایران
تهیه فرودگاه در جنوب ایران - مایر و تشکیلات
«میلیون ایران» بکمک یک ژنرال ایرانی - چمدانی
که ۴۵۰ سند داشت - سید ابوالقاسم کاشانی و نوبخت

ثالثی که در واقع مرکز فعالیت ستون پنجم بود با بران وارد شد. این شخص یکی از همال زیر دست اداره خبیته آلمان بود و مازور ژولپوس بر توله شولنس نام داشت.

وقتی که نیروهای متفقین وارد ایران شدند از دولت ایران تقاضا شد که افراد کولونی آلمانی مقیم تهران را بازداشت نمایند. مملکت سه عامل مرزور موفق شده از بازداشتگاه فرار کنند و توانسته کور خطرناک خویش را تهیه نمایند.

مدارکی که بدست آمده نشان می دهد که در یکی از مراحل عملیات فرودگاهی در جنوب ایران تهیه شده بود که هواییان آلمانی بتوانند در آن جا فرود آمده و در دسترس کسانی که در شرکت نفت ایران و انگلیس خرابکاری بقیه در صفحه ۷

ملکت را بآنها بسپارید و از رویه راستی و ایمان از آنها پشتیبانی کنید و وجهه بر سر منافع شخصی نشئت و جحران بوجهه یابورید، خود و منکنت را به خاطر نه یاندازی، و بدانید اگر در این موقع باریک هم باز مسامحه کنید دیگر آخرین فرصت را هم برای خودوهم برای منکنت از دست داده اید و مطمئن باشید این دفعه دیگر هیچ قوه ای قادر بهاموش نمودن فتنه احساسات مردم نخواهد بود و شما هم در چهار دیوار مجلس از مجازات ملت مصون نخواهید بود.

شما باز هم باین حرفها غواغبندید ولی بهر اسبه از آن وقتی که ملت بشما بخندد.

طهران ۱۵ مارس «رویترا» شرح کامل فعالیت ستون پنجم آلمان در ایران که از هر حیث شبیه یک لیمه هولیورده میباشد اکنون برای بار اول از طرف سفارت انگلیس فاش گشته است. ایسن داستان از ماه اکتبر سال ۱۹۴۰ آغاز میگردد. در آن زمان سرویس خبیته آلمان دو تن از همال خویش را موسوم به رومان گامونا و فرانز مایر به ایران فرستاد که با وضعیت این کشور بینظور عملیات مصلحتی و خرابکاری آینده آشنا شوند.

در آوریل سال ۱۹۴۱ یک شخص

اگر آقایان و کلا بوخامت اوضاع بی برده اند خوب است نه ای از احساسات مردم را که روز پانزدهم اسفند خود ناظر آن بوده اند بخاطر یابورند. لیکر لیمه بنام حفظ مصالح کشور بلکه میگویم برای حفظ جان خود و برای بقای حیثیت ظاهری خود از این رو به دیرین دست بردارید. بیسی بیش از هر دوره نشاندگی را صرف تمهین نظریات خود ندوده اید پس است! این نیم باقیاننده را انلا بفر منکنت باشید.

در این روزها که سرنوشت و مقدرات ما باید تعیین شود و باید از تابعیتدکاری-های خود برخوردار گردیم وقت خود را صرف تعدیه خورده حساب نکنید باز برای پارلمانی را قدری کنار بگذارید از نشئت و میارادگی خود جاوگیری کنید.

متفق الرای شوید از مردمان صالح و مبین پرست که امتعانات کافی داده مورد اعتماد مردم هستند دعوت کنید بیایند، زمام امور

افکار عمومی

مجلس را مسئول میداند

چندی است صحبت موقوفه کابینه مجدداً آغاز شده. در هفته گذشته این مسئله طوری صورت جدی بخود گرفته بود که مردم انظر رداشته تکلیف دولت بکسره شود. بیات برود دیگری بجایش تبیین گردد ولی این بار نیز مجلس بملت نشئت آراه و عدم توانایی چندینجانب پارلمانی بر سر انتخاب رئیس دولت جدید موفق نشد باین بلاکلیلی ملت و منکنت خانه دهد.

هناطوریکه کراراً گوشرد شده این نشئت آراه در مجلس این بلاکلیلی دولت زیانهای غیرقابل جبران برای ما دربر خواهد اشد و برای جلوگیری از هریش آمد زبان آوری لازم است دولتی صالح، مورد اعتماد مردم و منکنتی با کثرتی نوی و با دوام هر چه زودتر زمام امور را در دست گیرد. ولی آیا چنین دولتی بوجود خواهد آمد!

آنان که بروجه و کلاه آشنا هستند و از زدوبندهای داخلی مجلس مصلحت و میداند اقدامات ناپنده گان برجه اصولی منکنتی است بوجود آوردن دولت صالح و قوی را خارج از ظرفیت و توانایی - مجلس کنونی میداند. عملیات مجلس چهاردهم و اقدامات ناپنده گان هم مؤید این عقیده است.

نه تنها اشخاص مطلع مجلسیان را اینطور قضاوت میکنند بلکه افکار عمومی هم مسئول تمام خرابیها و بدبختیها را مجلس میداند. مجلس هم تا بحال عالی که خلاف این نظریه را ثابت کند از خود نشان نداده است.

هراکینه که بر سر کار آمده روی زد و بند و نظریات خصوصی بوده هر روز بری که انتخاب شده برای اجرای مقاصد و کلا بوده و تا موتسی که توصیه ها و سفارشهای آنان را پذیرفته مقبول بوده و هر آن که توانسته از مهمه انجام تقاضاهای آنان بر آید بدون توجه بدلیل و منطق. علم مخالفت را بر اثر اشته اند.

دولت ها چرا بر سر کار آمدند و چرا رفتند! هیچکس علت آرا نبرسید، و کلام دلایل بیان نکردند زیرا با افکار عمومی وقتي نگذاشته حفظ منکنت را در حفظ منافع و نظریات خود دولت را عامل اجرای آن میدانستند. حفظ مصالح کشور و توجه بامکار عمومی برای ناپنده گان در درجه دوم و سوم قرار گرفته.

هرم آور است برای کسیکه خود را ناپنده مردم بخواند و مصالح کشور را در نظر نگیرد، از نام ناپندگی استفاده کند و با افکار موکلین شود احترام نگذارد.

امتعاناتی که و کلاه درملی این مدت داده اند برای شناسایی آنان کافی است. از خودی و بیگانه به شخصیت و ماهیت هر یک از آنان بر برده اند. همه ای را محترم میشمارند بقیه را عاصب، و کبلی-موکل یا تحلیلی وی اراده میدانند و اگر تا بحال بانها فرصت نشئت و نلاز داده شده این فرصت را باید مرهون روح گذشت ملت دانست ولی حال دیگر برده از روی اسرار برداشته شده، کاسه صبر مردم لبریز گشته و دیگر تاب بردباری بیش از این باقی نمانده است.

در مجلس شورای ملی

در جلسه روز یکشنبه ۲۰ اسفند پس از اینکه آقای وزیر دارایی دو لایحه یکی راجع به اراضی تیسر و دیگری راجع به گرفتن دو بیست میلیون ریال برای خرید احتیاجات وزارتخانه‌ها تقدیم نموده آقای سپه معده صادق طباطبائی رئیس مجلس هرحمی مبنی بر اظهار تأسف از واقعه ۱۵ اسفند ابراه و اظهار داشته این طور که بنده از بیانات امروز در جلسه خصوصی استنباط کردم آقای دکتر مصدق نظرسویه سبب مجلس نداشته.

سپس آقای دکتر مصدق لطفی ابراه نموده گفتند:

یکسال از عمر مجلس میگذرد اگر سؤال کنه در این مدت چه کرد جواب این است که تمام وقت بکار دکتر میلبوس گذشت و بعضی از نمایندگان که لاستیک گرفته و بتوان موکلین تهنه و شکر و پارچه و نخ دریافت نموده تا بتوانند از او حمایت کردند و مردم را از سیاست بیخه - الللی ترساید و کار ملک و راهسورتی هر آورده که وقتی دکتر رفت غیر از خزانه خالی و میلیاره ها ریال فرش چیری با تعریل نکرد.

اگر بیرسته که چندین ماه است هفت اعلام جرم بر علیه مجلسی مجلس داده شده که چهارتای آن مربوط با انتخاب هیرشا بندر عباس فارس و آذربایجان و پنجین راجع باختلاس سادال ۲۰۰ هزار تومان از مصالح تاز شهرداری و آجر کوزه پر خانه در زمان وزارت کشور خود و هفتین مربوط بقران دو و پنجره وزارت خارجه و هفتی که در جلسه سری مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی پریاست مجلس تقدیم شده و فعلا از ذکر موضوع آن خود داری می کنم تمام بلا تکلیف مانده و کیسیون - دادگستری تا کنون نلیا یا ابیاتا گزارشی نداده و او را طوری جری نموده است که با نمایندگان وظیفه شناس امروزه میسکند کیسیون دادگستری چه جواب خواهد داد؟

اگر بگویند برای نیشی که به تدین راجع بگرفتن ۱۵۰ هزار تومان رشوه و به قالی سنگین قیمت در تیریه داده اند. چرا اکثریت کیسیون دادگستری تمام پرونده ها را از وزارت داده گستره نخواست که اروری آنها گزارش جامعی تنظیم

کنند و بنح تعقیب تدین که رای داد - سبب شود که دولت تراند هیچوقت حساب ۱۲۵ میلیون تومان بولی که برای خواربار گرفته است بهر اهد.

آیا اکثریت کیسیون دادگستری چه خواهند گفت

اگر سؤال کنند مدتی است کیسیون مجلس برای رسیدگی بنیشانی که بوکلا میهنه انتخاب شده و تا کنون یک گزارشی نداده است هس نایندگان دستکارچه - خواهیه فرمود.

آیا اکثریت یک چنین مجلس بیخ احساس اظهار تامل میکنند و اگر بر حسب تصادف به دولتی رای دادند که بازار داخل در معاملات ندها اوچگونه رفتار مینمایند.

از این هرایش مقصود حساب است از این دولت نیست من یا این دولت برای این موافقت نمودم که دست دکتر میلبوس را از دارایی ملک کوله کنه و الحق هم بوده خود و بنا کرده پس از آن چون وزیر دادگستری دادستان را بدون جهت تغییر داد و افتخاراتی در اطراف این قضیه هست همچنین انتخاب شخصی تکیستی که دولت برای امور اقتصادی گرفتار نیست بخود بدین نموده و تا جبران نکند با او موافقت نکنم من هیسه بنایندگاه خیرخواه و نیکوکار احترام و آلمان را ستایش میکنم و چنانچه از هرایش جمله ۱۳ اسفند سوء تقاضی دست داده است سفرت میطلبم.

من بساعت مقدس مجلس هورای ملی هیسه احترام میکنم و نسبت بسوکلان خود میفرام انجام وظیفه نسایم هرگاه برای انجام وظیفه بود مرا چه کار که شود رادچار معصوم و وطن دست های ایاک نسایم.

پس از آن آقای دکتر مصدق نسبت بسمل فرمانداری نظامی و تبره گلشایان از طرف رکن ستاد ارتش اعتراض کرده در اطراف پیشنهاد جلسه گذشته خود توضیحاتی داده در پایان اطق خود گفتند.

من بسیار خوشوقتیم که آقایان نمایندگان مری آنکه پیشنهاد من خلاف قانون نیست نمیتوانه مرا محکوم نسایند ولی چون هر من زیاد نیست و معاصرین من بسیارند میتوانند از گذشته مرتعفات کنند شاید چیزی بدست آورند که مرا در محاکم جزائی تعقیب نینمایند.

من در این مجلس فول میدم که در سنگر قانون قائم نشوم از امروز زمان و اینکه قانون جزائی مصف بسابق میشود و دوره ای از زندگی من که قانون مبرور بود هامل من میشود و همچنین از

از سلدوز

جناب نخست وزیر رونوشت وزارت کشور رونوشت جناب آقای نبیسی وزیر مشاور رونوشت آقای صدقانی نماینده شهرستان مهاباد و وزنامه کوهستان چون در اطراف واقعه اخیر مهاباد گزارش های که بر مرکز رسیده که هیچ کدام حقیقت ندارد معض کشف حقایق جسارت مینمایند در تاریخ ۲۶ بهین عده از اهالی مهاباد و غیره دو از مینیک عزیز خان نماینده داده چند نفر ماجر اچو یک سابقه ماموریت دولت برای از بین بردن پرونده های بخش قندوچای شکر بواسطه تقسیمات غیر عادلانه و تقلبات بسیار مهم که در شهر بدنی توقف بوده مینیک را به خیابان بهاری برده با سبانی برای جاگیر از تبیح هلیک کرده و بعد از نام را منتول و مفسدین الاموقع استفاده کرده بشهریانی هجوم زده و خورد آن واقعه رخ داده و پرونده را که مورد نظر مفسدین بوده از بین برده بعد از طرف معترضین مهاباد و چند نفر از آقایان متکور ماش و غیره جماعت را متفرق و امنیت برقرار می نمایند چگونه بایست تصور خود اهل شهر مهاباد که مسائل است یا محفل معارج زیاده بر قرار کثیک و از جان گذشتگی بدون هیچگونه کت خود و مامورین دولت را حفظ به مقررات اوامر دولت مطیع و وفاداری شود را ثابت نموده همچنین کاری را ارضی داشته اینکه سوم از این قضیه متأسف و اظهار و اعرض مینمایند میتوان عرض کرد که هرگاه قاضی معده در مهاباد حضور داشت چنین واقعه نبداد و بعد از مراجعت او آرامش بطور کامل برقرار گردید نگرانی باقی نیست ظاهر آنضا یا آن بوده که بر سر رسیده دستهای مرموزی بول روزنامه کیوان در کار بوده یا نه هنوز معلوم نشده است حسن معدی مصطفی داودی علی حسینی و حسن هاشمی مدرس صالح زاده مفتی کریم خسروی ابراهیمیان احمد الهی عبدالهی احمد حسینی حبیب داودی محمد حسینی عبدالله حکم زاده داودی قادر مصطفی سلطانیان عزیز صدیقی غفور معبودیان معده امین شریلی عبدالرحیم

معولیت پارلمانی استفاده نکنند و بلانیک خود را تسلیم داد نه نسایم و آروزی که بکنند و کیل معاکه و معکود شد کار اصلاح میشود ولی نسوس که با این مجلس اینکار نمیشود.

در جلسه روز سه شنبه ۲۲ اسفند طرحی بدین مضمون یا قید و توفیرت تصویب شد.

« برای رسیدگی بواسطه روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۳۲۲ و تینین مسئولین هلیک کیسیون مرکزی از عت نر بقید فرجه انتخاب میشود و این کیسیون مکلف است گزارش خود را تا روز هشتم فروردین ماه بمجلس شورای ملی تقدیم دارد. » آقایان هجوع - فیروز آبادی - ذوالفقاری - هشتالی - هاشمی - فرود و کرمچندی انتخاب شدند.

انتخاب ناظر بانک هم در این جلسه بسمل آمد و قرار شد که نتیجه جلسه پس گزارش شود.

آقای ارهودی ستولی از وزیر پیشه و هنر راجع بسوء استفاده های در حدود ده میلیون ریال در کارخانه کیسیون نموده آقای وزیر پیشه و هنر ضمن تصدیق باینکه سوء استفاده های شده اظهار داشتند کیسیون که برای این کار تعیین شده بودند چنین گزارش داده اند که سوء استفاده از طرف رئیس حسابداری کارخانه بسمل آمده و فعلا هم مشارالیه تحت تعقیب دیوان گیر میباشند.

بینه لایحه دو دو از دهم مطرح شد ولی باز هم مجلس از اکثریت افتاده و جلسه ختم شد.

در جلسه پنجشنبه ۲۴ اسفند آقای جمال امامی نیل از دستور راجع واقعه ۱۵ اسفند سولی زن بگذاشتن فرماندهان را رای نامی کرد از عجل خود معذرت خواستند.

نتیجه آراء راجع بانتهاب ناظر بانک قرائت شد آقایان معبر ارهسته ۳۸ ای سادی ۳۶ - اردلان ۶ - نبوی ۵ - کتر کان ۲ رای داشته ولی چون اکثریت حاصل نشده بود مجددا رای گرفته شد و اعلام نتیجه بجلسه پس موکول شد.

مرخصی عده ای از نمایندگان مطرح و تصویب شد و آقای سپه معده طباطبائی راجع با آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی و تلگرافاتی که راجع با ایشان از اشخاص مختلف رسیده بود بیاناتی ابراه کردند لایحه دود و از دهم باز مطرح شد باز هم مجلس از اکثریت افتاده و ختم شد.

اخبار خارجه

خبرگزاری فرانسه اطلاع میدهد که ارتش اول آمریکائی در دو نقطه جاده اتومبیل راهی بینگانی و فرانکفورت را منقطع ساخته است. اعلامیه ژنرال ایزن هاور میگوید که در مباداه حمله و ماکن اینک قوای متفقین در برابر راه اصلی کلنی - فرانکفورت میباشند و با آن جاده تقریباً هزار و پانصد متر فاصله دارند. با وجود پایداری سرپف مباداه حمله دست یافته تقریباً طولش ۱۷۹ و عرضش به ده کیلومتر بالغ گردیده است.

شهر گزارای آلمان خبر میدهد که مارشال ژوکوف در استقامت اشتهن کلا کلا رسوخ یافته اند.

زمزمه صلح

خبر گزارای انگلیس گزارش میدهد براریکه در میان معانل مجاز لندن اظهار میشود هما طوریکه در جریان سوئد اشاریانه بود نمایندگان آلمان در اوایل ماه مارس با نمایندگان دولت انگلیس در اسکپلم نزدیکی و بهتضر مذاکراتی کرده اند. کلیه صحبتهایی که در این موضوع شده بود بلافاصله بدولت اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا اطلاع داده شد. بنقیده معانل مجاز لندن این تفرق و تردیکی آلتابها برای این منظور بوده است که اختلافاتی بین متفقین توابه نمایند.

دوهر حال نشینات و کنجکاری دشمن بطاق ندیان سبردهده

هرج و مرج در داخل آلمان

استکهلم - خبر گزاران شوروی خبر میدهد غیرانگاردوژنامه افتن تیدیکن در برن اطلاع میدهد که هرج و مرج و تزلزل در سرتاسر جنوب آلمان حکمفرما است دوره آنها تقریباً آمد و رفت بکلی موقوف گردیده است و اوضاع حمل و نقل بانه ازومی خطرناک است که مواد جنگی با اتومبیلهای اوکس بچیبه فرستاده میشود در موبخ زد و شوردهای بسیاری بالفراد شوربانی روی داده است و چندین گردان کارود ملی جدید هنگام حرکت بطرف چیبه شوروی خورش کردند فرماندهار موبخ فرمانی صادر کرده است مبنی بر اینکه کارمندان نازی حق ندارند بدون مراقبت پاساها بیان گوپهای کارگران را بدین کنند بیش از ۱۰۰ هزار تن کارگر خارجی که از کارخانجات فرار کرده اند اکنون در جنوب آلمان سرگردانند در شهر فریورک بناسبت اهرام یک حله جیبه افشاهانی روی داده است زنان از سربازان التماس میکنند که اسلحه خود را زمین گذاشت پخانههای خویش بازگردند.

اقتراض دولت ماورای اوردن

امبرالریقه باشاکه برای مشارکت در مذاکرات راجع با اتحاد اهراب وارد قاهره گردیده به نماینده خبر گزارای انگلیس اظهار داشت است از ایات اینکه دولت ماورای اوردن با اجین ساتراسیسکو دعوت زده بدواتهای معظم اعتراض خواهد کرد. در هر حال ایدوار است از کشور وی نیز دعوت بسل آید.

انجمن ساقرانسیسکو

لندن - برار اظهار خبر گزارای انگلیس در معانل سیاسی لندن ضایع است که ماگرم لیتونیوف معاون کبیر امور خارجه شوروی مسکن است بریاست هیئت نمایندگی شوروی که روزیازدهم آردیل بسان فرانسیسکو عزیت شواسته کرد برگزیده خود. در سقانت استال می رود در و باچلاو مولوتف کبیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی بواسطه مرحله اخیر جنگ آلمان و گرتاریهای فوق الماده توانا نمایندگی از اروپا خارج خود چنین تصور می رود که دودالانهای عقب انجمن مذاکراتی جریان شواسته یافت و در اینصورت

اخبار داخله

آقای موثرن الملك بیرلیا از قبول ریاست هیئت نمایندگی ایران در انجمن سان فرانسیسکو خودداری نموده اند و مذاکره در باره انتخاب اشخاص دیگر جریان دارد.

در وزارت دارائی

آقای احمد داراب ریاست هیئت مدیره امور صنعتی وزارت دارائی منصوب شده اند. آقای دکتر بوئیر مشا و کل سابق دارائی بشاورت کنترل اقتصادی و مالی وزارت دارائی منصوب گشتند.

آقای هرج هودسن مدیر کل سابق اولاک و گذاری در انجمن بسیاری کیدپامریکا عزیت نمود.

بانو کولورین داو بدسن و آقای ویلیام برادر که از اعضای میسیون امریکائی بودند استعفا می شود را تقدیم وزارت دارائی نموده موود قبول واقع گشت.

در وزارت کشور

آقای نصر الملك اردلان بست فرمانداری کاشان منصوب شدند.

آقای مفتاح فرماندهار سابق کاشان بست بازرسی وزارت کشور تعیین گردیدند.

در وزارت فرهنگ

آقای ملک احمدی رییس اداره کل اوقاف بریاست اداره اوقاف به حله آذربایجان هرفی منصوب شدند. آقای کتچین کربلی بست ریاست اداره سرپرستی دانشجوین اهرامی مقیم ترکیه.

آقای میرنهرالی (مهندس هابون) بریاست هنرستان دختران

آقای جعفری بریاست اداره استعانتان آقای باغچه ابر ریاست اداره کل اوقاف آقای معده رضا دانیلی معاونت اداره کل اوقاف منصوب شدند.

در وزارت دادگستری

آقای غلامرضا فولادوند بست ریاست اداره بازرسی.

آقای رضا هنری بست دادیار داد سرای دیوان کشور.

آقای مسعود هابونی بست معاونت دادرسی تجدید نظر نظامی موقت تهران.

آقای محمدعلی شیرازی بست کلرمنت ملی ابدل دادگاه بخش تهران.

آقای غلامعلی مرادی بست بازرسی

دکتر بازرسی و سازمان و کلاه منصوب شدند.

در وزارت پیشه و هنر آقای امین ناطقی که بریاست اداره بازرگانی پیشه و هنر استان دهم منصوب شده بودند بطرف اردبیل حرکت کرده اند. آقای یوسف دیبا بست بازرسی وزارت منصوب شدند.

آقای وفا مدیر کل وزارت پیشه و هنر از ماموریت اهواز مراجعت نموده اند.

هتفرقه

آقای دکتر مشرف نفیسی عضو هیئت مدیره اقتصادی استعفا خود را با استیفا لغت وزیر دادند.

آقای علمورث آدمیت بست دبیر دوم سورت کبری ایران در مسکو معین شده اند.

آقای سرلشکر خفائی اتافه نظامی سفارت کبری ایران در مسکو بجلت کسالت مزاج بطهران باز گشتند.

آقای سرلشکر نیروژ استانده ارغارس بشیراز عزیت نمودند.

چون بسیاری طاهون که اخیرا در خاک عراق بروز کرده بود دفع شده و دولت عراق رسنا بر طرف شدن بسیاری را اطلاع داده است از طرف وزارت بهداری بکلیه مسافروین مرزی تلنگرافا دستور داده شده اقداماتی که نسبت بسافروین وارده از خاک عراق بنظور جلوگیری از سرایت بسیاری بچاک ایران صورت بگیرت موقوف گردد.

از طرف وزیر بست و تلنگراف اداره کارگزینی دستور داده شده قبل از پایان سال احکام اشاقات و ترفیعات اشضای آن وزارتخانه را صادر و ابلاغ نمایند.

آقای دکتر بنش و تاندش به معیت آقای لغت وزیر و وزیر امور خارجه

و چند نفر از اشضای دولت چک اسلواکی که از راه اتحاد جماهیر شوروی سازمان کشور خود بودند در روز جمعه گذشته از فرودگاه قلمرغی حرکت کردند.

ده نفر از روزنامه نگاران هندی برای دیدن ایران و بازدید و ضیعت ارتش

هند در ایران بطهران مسافرت کرده بودند

پشیه در صفحه ۶

برای ملتپاسی که بیشتر ذینفع هسته اشخاصی مجرب آزموده می لازم خواهد گردید. تا کتون از چهل و پنج دولتی که باید در انجمن شرکت نمایند فقط هشت دولت نمایندگان خود را معین کرده اند. اساستنامه روسای هیئت های نمایندگی متعده الشکل تمیباشد ولی استئال می رود از طرف فرانسه یک دست فوق الماده قوی فرستاده شود تا نظریات دولت فرانسه را در انجمن مطرح سازد. از بهاریس غیر میرسد که دولت فرانسه دو جلسه هیئت وزیران تعیین گرفته پادداشتی برای دولت امریکا ارسال و پیشنهاد نماید در تصمیمات انجمن دپارتمن اوکس که در انجمن پالنا تغییراتی در آنها داده شده برخی اصلاحات دیگر بعمل آید.

پلام آفای مهندس نورچشم

کشاورز ایرانی

مسافری که از دهان ایران بر میگردد - اگر از موافق نوع دوستی برنگار باشد - قطعا توای از آن دو دهه و ده لال با خود خواهد آورد مشاهده ابدان عربان قبیله های زرد چین خورده های کلاغر و مردنی و بالاخره چشمان بی فروغ و کدر احساسات هر بیننده ای را جریحه دار میکند و او را نسبت بدست ای از بشر که در زیر بار مشقات و آلام کمر خم کرده اند و بیردگان قرن هجدهم بر شامت لیستند بشکر می اندازد.

کشاورز بیچاره زندگی سرایا ملالی دارد، حکم سیر بغداد نبیند در کلبه های معتر که از نور هوای پاک عاری است زندگی میکند با امراض گوناگون دست بگریبان است روز و شب در سرما و گرما و رنج میرود و کار میکند، آفتاب تو ز چهره او را سیاه کرده و سرمای دیوچور اندام او را برهنه در می آورد و باز در میان این مصائب و شکنجه های طبیعت - پایدار ایستاده و کار میکند بادل روشن و خاطری مصفاشکر خدای را بجای می آورد و از این قش شومی که قلم تقدیر بر لوح زندگی او رسم کرده راضی است بیچاره (دراغ)

هوائ صحرا - آب چشمه - دوری از آلودگیها و درز آفتاب شهری - ایمان به خدا و کاره خوانی هسته که افراد رفیع سالم، خوش قیافه و خوش بینی و نیرومند و پاک بوجود می آورند انوس که تپیدستی و فکر نام این موهبت هارا در خود تحلیل برده و بجای آن چهره های گلگون تپانه هلی بزم کرده و بجای قاشهای سرو پدنه ای هکست و غم شده و بجای سرو و هادی اندوه و غم نشسته است.

این گروه و هجاری که امروز بر آینه شیر و هابای ایران جای گرفته مستقیا بدست پدران نا مهربان آنان پتی مالکین و اربابان دهان افشانه شده است زیرا این دسته که وظیفه اصلی آنها ارشاد و هدایت طیفه رحمتکش و حامی است هیچگونه علاقه ای در این باره بروز نداده و از ایثرو قذال دهان ایران و ایران و کشاورزان آن در فقر و فاقه بسر میرود.

این عدم علاقه و عدم توجه موجب شده است که زارعین ما از اوضاع کاتبه کشاورزی بی بهره باشند. زحمت آنها بانتاجی که بدست می آورند غیر متناسب باشد و با این فلاکتی که همه ناظر آن همن بسربرد بنابر این تصور میرود اگر مالکین روزی بشکر آفای و عمران دهان خود افتند و نصیحتین قدم باید خانه های هیری و ترک گت و بسوی دهان بشتابند که انجا وسائل

زندگی خود و رحمت را فراهم سازند از نزدیک با مشکلات کار و مصائب زندگی کشاورزان آشنا شوند. پدراغ آنطور که شاید و باید از رعایای خود استسالت نمایند در تمام امور خود را ناظر و حکم بین خود و رحمت قرار دهند و راضی نشوند از وضع پدنه ای که با بیچارگی و تحمل رنج و ملال روز و شب کار میکنند حکم سیر بخوردند و برای ستر صورت معطن و درمانده باشد چرا این افرادی که مولدین اصلی نیروی ثنائین دوچه درمانده و بزم کرده باشند، چرا دامن گوه و سینه دقت که قانون اصلی نشاط و فرح است بر کوه معن و انسرده کی بدل شود. چرا در مقابل تحمل این همه مشقت شب و روز از وضع به تنگی و ناکامی بگذرد این ها همه معلول بی مهریهای مالکین و عدم توجه آنهاست ما سبک گویم روزی ذابغ و رحمت رنجبر قادر خواهد شد در مقابل اربابان خود - عرض اندام کند ولی سبک گویم دست تباری که زندگی ما را زده او میکند در روزی نلانی این بر عدالتیبا را خواهد کرد و بی احتیاجیهای ما را جواب خواهد گفت آسایان مالکین، چگونه راضی میشوید عزیز دودانیهای ما با عیال و اولاد ناز و دست باز آید و مشغول انواع توجیهات شوند و در دپه شما فرزند رحمت رنجبر هنا شب گرسه به خواب روه، در اغل گوسفند بزرگ هود و با بیسار بهای مختلف هم آغوش باشد و آخر راه باز نشستی پیش گیرد.

هانقد که فرزندان شاهزیر و مورود مهره فرزند و همت دست تپی نیز برای پدر و مادر خود عزیز و دوست داشتنی است. محبت نسبتواله میان لفر و فنا لرئی گذارد.

آسایان مالکین، این عیش و عشرتی که شما بر با مسالزه و لقی گوارا و دلنشین است که بره گان شما نیز در هکنجه و آزاد داشته و روز کار آنان نیز با ندره و ملال نگذرد و الا این عشرت با وبال جان و مال است و آخر برسوائی میکند.

من میدانم سوخن دیگران چگونه میتواند مایه عیش و ثلثت ما باشد و رنج افراد مشر چطور و منشاخ راحتی و حضوانع میشود مگر حوالی نیست مگر ما بکنات و مبداء و معاد قابل بسیم مگر دلهای ما و از سنگ ساخته اند که با وجود مشاهده مشقات و الاده بیکران راحت بنشینم و بخود برستی مشغول با همیم دهان را بحال خود نگذارید قدری توجه کنید، بحال رحمت بیچاره رسیدگی نلاید این گروه مردم رحمتکش چشم

نقش از مجله ترواستوری

ماه عسل

یکی از روزهای گرم تابستان بود. من از اتوبوسی که سحر اداره ام را می پیود پیاده شدم در حالیکه بانده های نسبتا تندی بطرف ماموریتی روان بودم ناگهان احساس کردم کسی مرا نگاه میکند و سر خود را آهسته بشند کردم و متوجه شدم که جوانی از اتوبوس بسیار شیک پیاده شده غبره غبره مرا می نگرد. او جوانی بود بشاهر آراسته و خوش اندام، دارای چشمان آبی رنگ جذاب بطوریکه در یک لحظه که چشمان ما بهم دوخته شد قلب من با شدت هرچه تمامتری تپید. حرکت او طوری بود که من تصور کردم او میخواهد با من حرف بزند. در این هنگام که عیان اختیار از گلم ربوده شده بود و از خود میخورد شده بودم ناگهان تکائی خورده از بی حثلی خویش متجب کردم، بهرود آمدم و نصیحتین راه را پیش گرفت بسوی ماموریت روان شدم.

من از طرف ستر بطرسون رئیس اداره ام مامور بودم هشتاد و یک را که پن داده بود بعضی برسائت وقتی کار خود را انجام دادم در مراجعت از همان محوطه گذشتم. از چشم بهمان اتوبوس ایتاد که در راه دیده بودم. مدتی آنرا لشکریتیم، برای باره دوم آن جوان را در مقابل دیدگان خود مشاهده کردم پیش خود فکر کردم آیا او چیست و در اینجا چه میخواهد!

ناگت نماند تا کتون چنین هیجانی که در اثر مشاهده تمبکل و بیانه آن جوان در من ایجاد شده بود در خود نهیده بودم. اما مختصری از شرح زندگی خودم.

ما دارای زندگی محقری بودیم. پدم دارای قاشتی بلند و ریش سرخی بود، مادرم زنی بدله گو و چاق بود، برادری داشتم بنام بطر و خواهرم اسشته میرا بود، خودم هم بطوریکه دینک هابر میگفت دختری بلندقد و خوش رو دارای گیسوان طلایی بودم بطوری که اغلب او بن میگفت تو بیشتر به پرسس هبامت داری تا بیک دختر معمولی. دینک هابر دوست صمیمی من بود که از کودکی با هم بزرگ شده بودیم، منزل او در بروری منزل ما واقع شده بود. ما در ایام کوه کی هبیه روز های تطیل با یکدیگر به یک یک و تشریفات دیگر میرفتیم. در هر کاری من با او مشورت میکردم حتی او را از پدر و مادرم بخود نزدیک تر میدیدم و کاری را بدون اجازه او انجام نمیدادم.

او مرا با اداره بطرسون که حالا در آنجا کار میکند و اهتانی کرد و در رفتن با اداره تفویض و همراهیم می نمود تا بالاخره در کار های خود ملغر شدم بطوریکه پس از اندک زمانی معاونت ستر بطرسون بن واگذار شد و بیشتر کار های مهم اداره را انجام می دادم.

امروز دو مراجعت از اداره تمام فکر متوجه جوانی بود که در راه دیده بودم و در صدد بودم سر منشاخ و چگونگی این احساسات را در ایام ولی خود از حل این موضوع عاجز بودم و تصمیم گرفتم مانند همیشه این مطلب را هم برای دینک تشریف کنم و هلت انقلاب دوری خود را از او جو یا شوم. در این خیال بودم ناگهان دینک را دیدم که از سوی دیگر خیابان بجانب من میاید. سلامی کرد و بصورت من غبره شده نزدیک گت و گت سلایچه اتفاق افتاده که آنطور خواهحال بنظر میآید. از شنیدن این حرف صورتم از شدت عجلت بر امر و فته شد و در جواب گتتم از کجا آمدیدی که اتفاق برایم رخ داده است. دینک پس از لحظه گت از ملاسم خوشحالی که بر چهره ات نمودار است و اضافه کرد که تا کتون من

امید بسوی شما دوخته اند از آنها نگاهداری کنبد. بنیه مالی آنان را تحویت نلاید تمام ده آنها گردد و استفاده ها بیشتر خود و هم وهابای ها از این فقر و سکت برهنه

بقلم آقای محمد مردوخ (آب تاش کوه دستانی)

-۴-

کرد و کردستان

یعنی از مستشرقین میگردند که زبان طوایف اریه زاگروس، «آری» بوده است ولی زبان آری تاکنون معلوم نشده که چه قسم بوده است زیرا هنوز مدرکی بر زبان آری بدست نیامده است. مگر اینکه غر آتیه چیزی بدست نیاید که این مشکل را حل کند. بنا براین ما باید از زبان اگراد قسمت آزارات فلاسراف نظر کنیم و در اطراف زبان طبقه دوم کرد: یعنی اگراد خاورزمین - (مادها) صحبت نامیم - (دارمیس تتر) مولف کتاب «تنبات ایران» مینویسد که زبان «مادها» همان زبان «اوستا» بوده. ولی تاکنون مدرکی بر زبان مادی بدست نیامده تا با اوستا تطبیق شود.

(استرابون) جغرافیدان یونانی که در اوایل قرن اول میلادی متوفی شده و ایران قدیم (مینویسد) که پارس و ماهه (زبان هندیک را پهلوی میدانسته پس معلوم میشود که زبان «پارس» و «ماده» خیلی نزدیک بهم بوده اند. مانند زبان «پارسی» و «کردی» امروزه (اتنوگرافی) یعنی علم قومیت، موبد این تست است. (فرهنگ مردوخ) تالیف خودتقدیر هم این موضوع را کاملا روشن میکند.

اکثر تواریخ هم مصرح اند باینکه زبان (مادها) همین زبان (کردی مگری) بوده است چنانکه (زندواوستا) که بزبان مادی نوشته شده خیلی نزدیک بلجه مگری است. و با همان زبان مگری اسم این نظریه (اطرف هیوارت) و (دارمستر) بعضی دیگر از متخصصین تایید شده است و نتیجه این است که زبان اوستایی زودت (زبان کردی مادی است - زبان پارسی هم در آن دوره همان زبان بوده که در آثار برس پلینس - (استخر پارس) نوشته شده است تفاوتیکه در اکتشافات اخیر حاصل شده همین است که کردها کلمات زیادی از عربی داخل زبان خود نگرده اند و شکل زبانشان خود را حتی القصور حفظ کرده اند اما یکس زبان فارسی که در این قسمت به سرحد افراط رسیده است. و رابطه خود را با اصل فارسی قدیم دست کرده چنانکه حالا نوشتن کاغذ بزبان کردی ساده حیاتی آسان است. اما بزبان فارسی ساده چندان آسان نیست حتی دو کردی اورامی که در کوهستان واقع اند و بهتر توانسته اند رابطه خود را با اصل (زبان کردی حفظ کنند برای

زن و مرد افعال متفاوت دارند مثلا میگن: (فرهاد آما) (شیرین آمانی) یعنی فرهاد آمده شیرین آمده (فرهاد لوا) - (شیرین لواینی) یعنی رفت که زبان فارسی فاقد این امتیاز است. بهر حال کردهای امروزه از حیث زبان چهار شبهه اند ۱- کرمانج - ۲- گوردان ۳- لر - ۴- کلهر - هر یک از این چهار شبهه بجز چندین شبهه دیگر منشعب شده اند که تغییر زبان داده اند از منابع دجله و فرات تا خلیج فارس قلمرو زبان کردی پیوسته است و مرکز این زبان اول (آزارات) بند (زاگروس) بند از آن (اسپهان) سیس (لهاوند) بند (هنکندان) یعنی همدان کنونی یک وقتی هم (تیسفون)

یعنی همان بوده است بنابراین ما متوالیم بگوئیم که لنت کردی در تمام ولایات ایران قدیم که اسکندر مقدونی بر آن حکمرانی کرده است (صومیت داشته است - در حال اصل زبان کردی خاورستان بطور تحقیق همان زبان (مادی) اوستایی است که اصل و ریشه آن زبان آریان قدیم است که آریا (زبان اترالی) گفته اند که پدر تمام زبانهای مادی و هندوی و پارسی و هلام است که تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد مسیح آریها با آن مکالمه کرده اند و بعد ها منقلب و مختلف شده است و تغییرات پیدا کرده است زبان پارسی قدیم هم منشعب بهفت شبهه است ۱ - پهلوی ۲ - هروی ۳ - زاولی ۴ - سگری ۵ - سندی ۶ - هروی ۷ - پاشتوی کله (پهله) در لرس قدیم یعنی شهر است که در کردی هم (پاله) میگویند.

در سابق هم که اسپهان و نهاوند و همدان و سایر پانتهن را پهله گنندند همین منی را را نانه میگویند کشتی گیران و اشغاس زور مندرام که بهلوان میگویند بهین مناسبت است که آنها در سابق حافظ و نگهبان شهر بوده اند از جمله دشمنانند یاسوان یا هوان دروان و امثال آن کشتی را هم که در کردی پالی میگویند باینجه است که پوشیدن آن اقتصاد باهل شهر داشته از تعبیل مذکور روشن میشود که زبان پهلوی عبارت از زبان شهری است که اهل شهر و درباریان با آن مکالمه کرده اند یکس زبان دری که منسوب بدو و دشت. یا دوه است که یک دوری را نیز بهینه مناسبت دری میگویند که با کسک کوهسار تفاوت دارد

(استرابون) در تاریخ قدیم ایران مینویسد که از کتیبه های دوره هخامنشی و زبان پارسی قدیم. چنان مکتوف میشود که فارسی قدیم برای کثابت و نوشتن فرامین دولتی استعمال شده ولی در مکالمه همدن زبان پهلوی معمول بوده است.

فارسی قدیم در زبان (اوستایی) و (سانسکرت) هر سه از زبان مشترک (آری) متولد شده اند. که اصل زبان آری سلووم نیست چه قسم پیوسته است زبان پهلوی در اواخر دوره هخامنشی مورد استعمال یافته در دوره «پارت» و ساسانی نیز مستعمل بوده است. علاوه بر مدارک اورامان که قبلاً ذکر شد یک مدرک دیگر خیلی کهنه در (نیوم) از توابع مصر پیدا شده که بزبان پهلوی است (وست) منحصراً زبان پهلوی میگوید. که آن مدرک واضح برین دوم هجری است. با همین منحصراً میگوید که غیر از «اوستا» تمام کتب که بزبان پهلوی نوشته شده اند همه پس از دوره ساسانی است. بنظر فیلر استنای اوستا از زبان پهلوی مسودت شده است. بفرض اینکه بگوئیم استثناء منقطع است! باز مدارک اورامان که ذکر شد بر خلاف این نظریه است که بزبان پهلوی نوشته شده. مگر اینکه بگوئیم مقصود منحصراً نامبرده فقط کتاب است نه مکتوب. و دهه ترین لهجه های کردی بلجه پهلوی. اول لهجه (لری) است. چه محل الوار بر کرک پهلوی قدیم خیلی نزدیک بوده است.

پس از لری، زبان «کلهر» بزبان پهلوی نزدیک است. سپس زبان «گوردان». بعد زبان «اورامی». بعد «گیلی» و بعد از آن «کرمانجی» منتهی زبان گوردان و کرمانجی. بیجه قرب جوار باکله و آشور. بکشداری آلوده بلغات آنها شده اند که غالب کلمات آنها همین همان کلمات کله یا آشور است. بعضی تصور کرده اند که زبان کردی یک لهجه مشتق از فارسی است با لهجه مشوش فارسی است (سید علی سینا) مولف کتاب (تاریخ آشور) مینویسد که این تصور اشتباه است. زیرا زبان کردی دارای تطورات خیلی و قدیمی است از زبان فارسی قدیم - «لوحه دارپوش» خیلی قدیمتر است. بهین دلیل هدای تاریخ میتواند بگویند که زبان کردی در قرن ششم قبل از میلاد یک زبان مستقلی بوده که هنوز زبان پهلوی بوجود نیامده است زبان فارسی کنونی هم پس از ییغرت سلطه و نفوذ «ساسانیان» متدرجاً در کشور ایران صومیت پیدا کرده است.

آگهی ضروریات

بتاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۱۹ آقای مرتضی (مفاوردی) بشناسنامه شماره ۱۲۹۹ طبق تقاضا شماره ۱۶۸۰ مورخ ۱۳۲۳/۱۰/۲۳ باستاند یک برگ گواهینامه و رونوشت هفاسنامه تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم حاج علی (مفاوردی) در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه حبشگی خود فوت و حین القوه ورثه متوفی منحصراً بپسر بنام مرتضی (مفاوردی) منقاضی و آقایان هادی مفاوردی بشناسنامه شماره ۳۶۶۸۱ و سیف اش مفاوردی بشناسنامه شماره ۲۵۷ و منوچهر مفاوردی بشناسنامه ۱۲۹۸ و سه نفر دختر بنام بانوان هرکات حسینی بشناسنامه شماره ۱۶۱۵۸ و فرح الزمان مفاوردی بشناسنامه شماره ۳۸۵۰۸ ویری مفاوردی بشناسنامه شماره ۱۹۵ و یک عیال. انسی بنام بابو صفری حسینی بشناسنامه شماره ۱۶۱۶ غیر از هشت نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد و پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب - به نوبت متوالی ماهی یکبار در محله و سسی وزارت دادگستری و رونوشت با اطلاع همومی رسانند که هر کس است بتقاضای مزبور اعتراضی دارد در مدت - مرقوم تقدیم والا پس از اتمام موعده گواهینامه صادر خواهد شد و نیز در صورتیکه وصیت نامه از متوفی نزد کسی موجود و تا این تاریخ رسا ابراز و انتحاج نشده در همان وقت بدادگاه تسلیم نماید و به از گذشتن مدت مزبور هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز نمود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

در پس کل دادگاههای بخش تهران- اصلی اهری

افکار دانشجویان

آقای دکتر اردلان مدیر محترم روز نامه کوهستان خواهش منم شرح بفرماید آن نامه که امروزی در مجله فرماید:

انجام وطن پرستانه دانشجویان در روز ۱۵ اسفند که فقط زاینده احساسات پاک و بی آلتش آنها بود از فراموشی دوری و از محافل ایجاد نگرازی کرده در نتیجه پاره ای اشخاص تیرها زهر آلود اعمامت باری سوسی ما پرتاب میکنند یکی ما را کودک بخواند و دیگری آلت دستان مینهد رد اولی آنها هائفتند که با این حرفها علی رغم منظور آسان آتش احساسات ما بیشتر شعله ور میشود.

ما کودک نیستیم. کودک آن کسانی هستند که در چنین مومنی که زمان بهیچوجه انضا ندارد جزوه با نفاذ اشکالات داخلی دوست کرده اند کودک آنهایی هستند که بدون توجه با وضع دنیا سرگرم منافع خصوصی پست شود و نه با هر دولتی که فوراً تقاضای نا مشروع شان را برپا آورد. مخالف میشوند و دیگر اورا نمیخوانند.

ما هرگز آلت دست نخواهیم شد احساس شطراض جلال ایران ما را وادار کرد پس از سه سال خاموشی سکوت را شکسته وارد مبارزه شدیم سه سال ناظر خرابکاریها و شیبه شب باز بودیم دیگر تاب تحمل نداریم کاس صبر ما پر از گشت بخاطر ایران عزیز چنان در کف دست نهاده آماده ببرد شده ایم قربانیهای ما زیاد است و باید یکی بعد از دیگری بخواه نوری و سایر شهدای راه آزادی ایران به پیوندند.

ما سر بلید میخواستند دکتر مصدق را از مجلس براند تا از مدافعین آزادی ایران هنوز ژنری که نه گرد دلی ما نمیتوانستیم قبول کنیم و چنین اقدامی را مقدمه سرچشختن ایران میدانستیم با مضمنی که در تاریخ مشروطیت اشهر سابقه ندارد دکتر مصدق نماینده واقعی ایران در میان احساسات بی نظیر خویش مجلس بر کردار دیدیم و جواب دندان شکنی بخالفین دادیم.

آیا جریان روز یکشنبه ۱۳ اسفند مجلس که منجر به خروج دکتر مصدق نباشد اول ایران از مجلس گردید کانی برای چنین هکس العملی بود که دم از حرکت میزدیم و ما را آلت دست میخواهند!

پایبگران دوره دیکراسی مخالفت شما با دولت بیات یا طرفداری از سبیلی و اصل اول دلیل میشود بی جوت بر منازید و با نوب خاوه دشمن ترش خوش قلوب فردار ما جوانانو دانشجویان را جریحه دار سازید ما بکلی از این اتهامات بری و چنین استی و اتومین ۱۰۰۰ میمانیم. بی نهایت با سبیلها و انواع آنها کوچکتر از آنکه که بتوانند حرکت ما را مانع شود بزرگترین سیاستها به منظور تحریک یا اعمال نادر در انکار روحیات آزاد خواهانه

دانشجویان در پشت دیوارهای آهنین دانشگاه مواجه با شکست و ناامی است.

دانشجویان با احساسی برای نینفیده اند که سقوط کابینه ها و ایجاد بحران های بی دریغ زبان کشور ایران و موقیت سیاسی آنست بر سر کار آوردن کابینه ها و برکنار کردن آن ها را بدون ایات غلط سوسویت مسلم نایبته گان خواهیم دانست وزیر و وکیل تا موقتی در نظر ما معتبر است که بنایع ایران بیدیه احترام بشکرد ولی همینکه فهمیدیم نظریات شخصی در کار است قیام می کنیم و اجازه گستاخی و بازی کردن با سر نوشت یک مملکت را بکسی نیدهیم هیچ قدرتی هم در مقابل ما یارای عرس اندام ندارد.

حکومت دموکراسی حکومت ملت است ولی چون دخالت افراد ملت بطوری مستقیم در امر حکومت مشکل بوده و تولید هرج و مرج می کند حق حاکمیت خود را بوسیله نمایندگان منتخب خود اعمال مینمایند اما وقتی که نمایندگان هم قادر بنایع منظور فرق و دقت هرج و مرج نبوده بلکه برعکس خود باعث آزار هرج و مرج باشند دیگر آنها را برای چه میخواهیم در این نوع که مقدمات تغییر کابینه فراهم میشود سویت نایبته گان در انتخاب نخست وزیر آینده دقت بیشتری بنمایند تا اینکه بعد از چند روز مجبور به مخالفت با او نشوند و الا این ترتیب که متجاوز از سه سال است اجرا میشود مایه تنگ است فریاد منشد وزیری دانشجویی سال سوم قضائی داشکده حقوق

اخبار داخله

بقیه از صفحه ۲
بانتخارشان ضبافتی از طرف انجمن فرهنگی ایران وهند داده شد.

بنسابت در گذشت تالسنوی نویسنده شوروی مجلس با بودی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در موزه ایران باستان برقرار شد.

هندهای از دوسای طوایف زرزا و ماش برای ایات مراتب دولت خواهی خویش باستانداری استان چهار مرجه و از علاقمندان دعوت نوده اند بقدر توانایی خود هدیه ای تقدیم دارند تا از جمع این هدایا یک دستان دش آلامه و سبیل اول دبیرستان در اشوبه تاسیس نمایند

ماه عسل

بقیه از صفحه ۴

ترا اینطور بشاش ندیده بودم ، آیا این تشبیس من حلیقت ندارد گفتم اگر حادثه کوچک را جدی بگیریم خیلی احمقم. دینک در حالی که بن نگاه میکرد گت سلیبا که ام حادثه زود بگو. در جواب گفتم دینک برایم اتفاقی رخ نداده است بلکه فقط با مردی در برو شده ام در این لحظه مشاهده کردم که صورت دینک بکلی تغییر کرد.

در حالیکه دستهایش را در دست گرفتیم گفتیم آره دینک من اسرار دولی خود را برای تو باز می گویم ولی امروز از تو میخواهم که راهی بن نشان بدهی و مرا از این احساسات شهید که از نگاه آن مرد خوش اندام با چشمان آبی و رنگش در من ایجاد شده برهانی در این موقع نزدیک منزل ما رسیده بودیم. دینک روی سکوی منزل تکیه داده پس از لحظه ای چنین گفت: سلیبا داستان خود را شرح بده، اورا چه زود دیدی و چه شد گفتیم دینک هیچ، حتی ما با هم کوچکترین صحبتی هم نکردیم، اصلا اسمش را هم نیدانم فقط او را دیدیم که از اتومبیل پیاده شد و مرا نگاه کرد.

دینک پس از لحظه ای سکوت رو بین کرده گفت سلیبا آیا احساساتی را که نسبت بآن جوان پیدا کرده ای هیچ نسبت بن پیدا کرده و دی با لبخندی جواب دادم آه دینک تو بهترین رفیق من و برادر بزرگ من هستی. در این اثنا دروب منزل گشوده شد مادرم دنبال ما آمده بود و برای صرف ناهار دینک را هم دعوت نوده دینک هم قبول کرده با هم داخل منزل شدیم.

هنگامیکه اعضای نامیل همه دور هم جمع بودیم و غذا میخوردیم من احساس کردم که آن تشبیس را بیش از همه دوست میدارم. پس از میرا خواهرم گفت: بطر میزرا چیده و منم خدمتگذاری کردم حال نوبت شاست که ظرفها را هست و تیز نایند. آتش پدر و مادرم میخواسته پسینا بروند مادرم رو بطر میرا کرده گفت آنها شاهم چاما میآید من در جواب مادرم گفتم بطر باید فردا بدرسه برود بهتر است حالا بخوابد سپس میرا هم از رفتن خودداری کرد. دینک برای اولین مرتبه در هتلی و تیز گردن طرفها بن کنسکی نکر دو پس از آنکه تاملی با هیچان تمام گفت سلیبا من کاری دارم باید حتما بروم این جمله را وقتی ادا کردم من صورتش را بکلی متغیر دیدیم.

آتش تاصبح فکر آن جوان و خاطرهای شیرین که از هیکل زینا و اندام متناسب و چشمان جلاپ او در من ایجاد شده بود مانع خوابم شده. روز بعد دینک بن تلفن کرد و گفت سلیبا آیا مایل می باشی و برای دقت به هتل کلینون بروی من پیشنهاد اورا بپذیرفته مشغول لباس پوشیدن شده ام «ناتمام»

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۸۷۴۷

آقای موسی خان زرزا بنایندگی طایفه زرزا و آقای کلا رحمن بنایندگی طایفه ماش عهده دار جمع آوری هدایای نامبرده شده اند. از طرف استانداری هسم وعده داده شده اند اما لازمه برای تهیه دیر و آموزگار و تهیه اثاثیه بسط خواهد آمد.

آقای مدیر محترم روزنامه هفتگی کوهستان

دین موع که آوازه آزادیخواهی و مین برستی از جانب مردم طقات ملت بلند شده احساسات ملی را ابراز میدارند توده کرد نیز که همیشه خود را در غم و شادی و در پیشرفت مقاصد ملی با هم بینان خود میبیم و شریک داشته درین موع نیز با پروردان خود همداشته و بوسیله آن نامه گرامی منوبات خود را بسج هم میبان هر میزسانه .

(ملت از وکیل بر گرفته محوش پیشیانی میکند)

تمام ملی و نهادهای فرهنگرا که در رو سخته بازدم استند جاری برای بردن آقای دکتر مصدق السطنه بجلش شورای ملی با تجلیل و احترام تمام علی رخم و کلاهی تعبیلی صورت گرفت مورد توجه و تقدیر هم علائقدان بسلکت واقع گردید زیرا ثابت کرد که ایرانی هنوز زنده و سبیه آراء و عقاید خود احترام گذارده و هر گاه عظیم خود را از روی خلوص بپشکنی که واجد شرایط خدمت گذاری بپبین تشخیص داده و اگذار کردی بیای شون خود از او پشتیبان میکند این جنبش که بدست برادران ما صورت گرفت بسیار جوا و بوقوع بود زیرا بدنه ما جراجو نهادهای دکتر آقای دکتر مصدق وکیل برگزیده ملت نظریات و خاندی که اظهار میدارند نظر مردمی است و از جانب قاطبه ملت پشتیبانی خواهند نمودینی که در جلسه بگشته گذشته در روز پیشهاد آقای دکتر صورت گرفت توهین بملت تشخیص داده شد از اینرو برای حفظ شرف ملت و حیثیات ملی اقدام باین تمام را لازم شمره اما تنها اظهار علاقه نسبت بدوستداران ایران برای بیطرفت مقاصد ما کافی نیست باید با تمام قوا در تنگوب و حلوب کردن دشمنان راه آزادی و ترقی سلکت بگویم ما باید با احساسی که برای استاده شخصی مقدرات سلکت را دستفروش

نقشه دیلی نیوز تهران

تیه از صفحه ۱
بی بردارند باشد ولی شکست آورترین است این حکایت طرز عمل آلمانیها با ایرانی های معلی است .
مابیر کوشش کرد با یک تشکیلات برای که در ژانویه سال ۱۹۴۲ بر علیه تلقین کار میکرد ناس حاصل کند و با گروهی که یکی از سرتیب های عالیقدر برای نیز جزء آن بود رابطه پیدا کرد با سفارت ژاپون هم مناسباتی مستر ساخت و سفارت مزبور دولاار های وی را به پول ابراه تبدیل کرد . وقتی که بران روابط سیاسی را با ژاپون قطع کرد سفارت آن دولت و کارمندان آن پالنی پول و پنج دستگه فرستاده می سیم و اختیار مابیر گذاشته و مشارالیه را با نده از ایرانیان که در تولید صیان بین شایرست بزایونی ها خدمتانی کرده بودند شنا کرد .
موقع آن رسیده بود که مابیر و ستارانش امر تشکیل ستون پنجم را آغاز کنند .
ستون پنجم قرار مابیر بیکل یک محبت ملی موسوم به « ملیون ایران » تشکیل گشت و از طرف گشته مرکب از رایان عالیقدر رهبری میشد .
در بهی سران این نهضت هدف از رتب ها و فرمان اراده ایرانی بود جود داشته . هدف غایی این گروه ارت از این بود که خورشپاهی بین ردها و سایر عشایر شمال تولید نمایند در همین حال هولتس هم لفظاتی ها « صریح بصیان کند و بوسیله فاسد خصوصی رابطه خود را با مابیر حفظ اید .
گفته « ملیون » تصمیم گرفت که امر باید باصفهان رفت و دو دستگه از ج دستگه بی سیم فرستاده خود را به ک سرآب عالیقدر ایرانی تحویل دهه و امر اتحاد عشایر بنف آلمانیها کمک کند .

در اصل مابیر و سرتیب مزبور نقشه طرح کردند که بعضی رسیدن میاهیان آلمان بر سرحد ایران قیام جنوبی با هم همکاری کرده و علم صیان بر افرازند . قرار شده بود که جزئیات این نقشه پس از سقوط استالین گراه طرح و تمدون شود .
مابیر ضنا قصد داشت بوسیله نده از ایرانیان کودتا کرده و شاه را مزلول و بر علیه متفقین عملیات نظامی را در پشت غلطوشان آغاز کند و نقشه خویش را از روی نقشه تصرف لروز به وسیله آلمانیها کشید . در این حین ویت هولتس هم دو جنوب در تیه نقشه بود که ایران را بدو دولت پوشالی تقسیم کند .
وقتی که ارتش آلمان در اللدین و استالینگراد دچار الهزام گشت حکامان اصفهان مابیر در مناسبات خویش با وی محتاط تر گشته و یکی از متصدین او ترسیده و به شمال خلیه انگلستان اطلاع داد که در نقطه معینی چه ای را خواهند یافت که معنوی در حدود ۲۵۰ ممرک میباید که بیشتر ببط مابیر و هولتس است و بین استاه مزبور اورانی نیز دوباره اشخاص معروفی مانند سید ابوالقاسم کاشانی ملاک معروف و حبیب الله نوبخت وکیل مجلس وجود دارد . مابیر همعا توانست فراز کند و بشیران برود .
در این موقع روسای اداره خلیه آلمان تصمیم گرفتند که به هشت چریال بیکه مابیر که در تهران بود اعزام دارند و اگر در این امر موفقیت حاصل شد هیئت دیگری نیز به کمک هولتس جنوب گسیل دارند .
این هیئت اهرامی در سیام مارس ۱۹۴۳ وارد شد و هشت زن از شمال آلمانی که جزو آن بودند در نزدیکی های دریاچه هودی واقع در شمال غربی قم فرود آمدند .
این عده با اتومبیل و شتر خود را بنهران رسانده . این چریالان مقدار زیادی پول و اسلحه باخود آورده بودند خبر درود موفقیت آمیز اینان بر این مغایره شد و در آنجا تصمیم گرفتند که هیئت دیگری بیکه هولتس گسیل دارند . این هیئت ثانوی در ۱۵ ژانویه ۱۹۴۳ بنزدیک شیراز وارد شده - این دسته مرکب بود از سه نفر آلمانی و یک نفر ایرانی که در آلمان بدست اداره خلیه آلمان وارد شده بود اینان موفق شدند که هولتس ملحق کردند و با مابیر نیز رابطه مستر ساختند .
حالا بیکه هدف « ملیون ایران » این بود که دو انتهایات آینه مجلس چهاردم تاثیر لغو کرده و اقداماتی بنایند در مجلس مزبور به اتلاف ضد متفقین ایجاد شود و از ورود ایران به جنگ جلوگیری بعمل آورده و روسیه را بر ضد متفقین هل نماید .
هدف غایی اینان قطع راه رساندن مهبات روسیه بود .
در اواسط اوت سال ۱۹۴۳ نقشه مابیر داشت اجرا میشد .
وضع امنیت گفرو خراب و تحریکات انتداباتی در تهران با کمال هفت جریان داشت .
مامورین متفق با نتیجه رسیدند که موقع انهدام ستون پنجم فرا رسیده است . در روز ۱۵ اوت سال ۱۹۴۳ دو ساعت بعد از ظهر مابیر از طرف مامورین انگلیس توقیف شد .
استنطاقات مدی در باقی آلمان های مقیم تهران را مامورین متفقین نشان داد . بر سر عتشارالیهیم بزیی ضرر شده آلمانی هائی را که مابیر به بختاری فرستاده بود بزیوسی تهران کشانده و در یکی زجاده های شمال تهران توقیف کردند .
در بها سال ۱۹۴۴ روسای شفقانی بر توله هولتس و سایر مامورین آلمان را تسلیم کردند . قریب ۱۷ نفر از ایرانیان نیز که آلمانی هادستیاری کرده و با متفقون بوده از طرف دولت ایران و قیف گشته . نتیجه بازداشت ایرانیانی که در راه آهن دولتی ایران را می کردند و با با آله سرکار داشتند این شد که تمده موارد کاور نکنی و خراب کاری در راه آهن که در وطن بهار و بدستان بهار زیاد نمده بود بعد قابل ملاحظه ای تقلیل یافت

وایع میکشیم و ناله میگردیم حق هم داشتیم ولی قریباً ما را کسی نشنید و بداه ما رسد سوختیم و ساختیم و متوجه شدیم که برای نجات خود باید همت کنیم و مردانه وارد میدان مبارزه شویم تا از این گردابی که غوطه ور شده ایم نجات یابیم و الا امید برای رهائی نداریم خوشبختانه ملت از غراب غلت کم کم بیدار شده و این بیداری روز به شبه گذشته محسوس شد دستجات مختلف سپهر برستان احساسات خود را بایش دادند مطروحات هم الا اتفاق بعدا از آنها پشتیبانی کردند و معلوم شد احساسات وطن پرستی بجوش آمده و هر یک از طبقات بسهم خود در راه سعادت مین از هیچگونه فداکاری دریغ ندارند آری مین نیازمند فداکاری فرزندان پاک خود میباشد که در سایه این فداکاری مقامی را که شایسته و برارنده اوست اجرا کنند .
م - ۱

کوهستان

ما و ستاد ارتش

هفت گذشته اطلاع دادیم که سرهنگ پایندر فرمانده تیب سفز از این پست تغییر یافت. این اقدام ستاد ارتش موجب خوشنودی و اکتان هموم اهالی سفز گردید زیرا این شخص که خود راحت حسابت فرمانده لشکر گردستان میدانست بسلیاتی دست زده بود که موجبات عذر رضایت و انزجار همومی را فراهم ساخته بود. سوء استفاده های او در واقع جف و اردو کشی، عذر کشید و معاملات او با مردم بدستیزی سروان خاکسار، زندانی نمودن مردم بدون کوچک ترین مجوز قانونی، سانسور تلگراف و امثال آن نمونه هایی از هلیات مستشمانه او میباشند.

با اطلاعات کافی که ستاد ارتش از هلیات او دارد، محتاج نیست ما محبت و چگونگی واقع جاف را در اینجا ذکر کنیم و از اردو کشی برای مخالفه عذر کشید پیش از آن چه تا بحال گفته شده چیزی بگوئیم و جریان تلگرافی را که از سفز با هلیات اهالی برای تعدیر از هلیات و جانفشانیها و از خود گذشتگی های او بطهران مطابره همد بیان نمائیم و با دلایل و مدارک ثابت کنیم که تحت فشار دژبان مردم را با مضاه و ادافتت انه و سروان خاکسار حتی درجه تلگراف را برداشته است. ما از زندانی بودن بی جهت مردم فقط نمونه ای ذکر می کنیم و آن زندانی کردن شیخ ابن امدی ساکن قریه کمس تران است که بی جهت سه و ماه و نیم در تیب سفز زندانی شده بدون اینکه معلوم باشد برای چاو بودن اینکه تا بحال کوچکترین سؤال از او شده باشد.

مادر باره هلیات پایندر مطالب بسیار داریم که در موقع مقتضی پس از اینکه ستاد ارتش هم تحقیقات کافی تری نمود برای روشن شدن اذهان همومی درج خواهیم نمود.

بر کنار نمودن پایندر از فرماندهی تیب سفز او بی اقدام ستاد ارتش دور بود اوضاع کرده نازیده و ما این عمل تیسار سرلشکر ارفع رئیس ستاد ارتش را که از افسران پاکه این، بی غرض و اصلاح طلب هسته تعدیر میباشیم.

انتصاب پایندر بفرماندهی تیب کرمانشاه البته از لحاظ مصحتی بوده است که ستاد ارتش خود بهتر میدانند و چنانچه در اینجا این شخص نخواهد توانست به انجام کیبختگی خود ادامه دهد زیرا آنجا دیگر سفز نیست که خیلی از مردم دور

باشد. آنچه دیگر منطقه سرحدی نیست که بتواند مردم را تحت فشار بیاورد. رحمت و سوء استفاده های او در کرمانشاه فقط متوجه سربازان بیچاره خواهد شد که بیاید از خوراک و پوشاک محروم نباشند.

ما از لحاظ حفظ مصالح کشور، با اطلاعاتی که از هلیات پایندر کسب کرده ایم میگوئیم هسته این شخص ملاحظت احرار کوچکترین بستنی را ندارد و اطمینان داریم طولی نخواهد کشید محبت عقیده ما بر ستاد ارتش هم روشن خواهد شد و از این است هم بر کنارش خواهند نمود تحقیق در اطراف هلیات او بسیار آسان است. اکنون که او از سفز بر کنار شده مردم بدون ترس و راهه هلیاتش را شرح خواهند داد. احرار چند نفر بازوس بی غرض از افسران پاکه این قضایای جاف و غیره را کاملاً روشن خواهد ساخت و چگونگی گزارش های او که راجع به منطقه سفز و غیره داده باسانی معلوم خواهد شد و ثابت خواهد شد که این گزارش ها روی چه نظریاتی بوده است.

اما انتخاب فرمانده تیب جدید هفت گذشته وعده دادیم تا آنچه که قدر و بسا از سواق فرمانده تیب جدید تحقیق نموده خواننده کان گرام را مطلع سازیم.

آقای سرهنگ نست افه صارمی که بفرماندهی تیب سفز تعیین شده از افسرانی است که بیباکانه بی، جدیت، بی غرضی و مردم داری شهرت دارد. البته انتظار مام از ستاد ارتش برای جاشین پایندر این بود که افسر برگزیده ای اعزام شود تا بر جراحاتی که هلیات پایندر در مردم ایجاد کرده مرهمی بنهد. آنچه تا بحال تحقیق کرده ایم این است که سرهنگ صارمی سابقه خدمات روشنی در ارتش دارد. مشاغلی را که همیده دار بود: فرماندهی دسته و گردان در هنگ سوارسی در درجه سروانی فرماندهی هنگ سوار ۲۰ اسفهان (در حدود هفت سال در اسفهان مأموریت داشت)، فرماندهی هنگ باوجستان (در مدت ۳ سال) فرماندهی هنگ نوزیه، مأموریت اداره سوار نظام و اخیراً در اداره بازرسی وزارت جنگ ریاست دایره یکسم را همیده دار بوده است.

اکنونکه ایشان بسفز مأمور شده اند انتظار داریم سعی نمایند این حسن شهرت باردیگر هم هلیات بیبوت برسد و مردم

ششیده این منطقه بیبته که افسر پاکه این وجهی بی غرض هم در ارتش داریم و مخصوصاً سعی نمایند که آلت دست فرمانده لشکر لغلی گردستان که مواخواه جدی بایند بود قرار بگیرند.

ما در نگارش این چند سطر هیچگونه نظر خاصی نداریم بلکه همانطور که روش نامه کوهستان است میخواهیم از حقوق مسلم اشغالی دفاع کنیم. اگر میگوئیم پایندر و همدستش خاکسار مردمان بسد و مضرری هسته میباشیم که این دو افسر کرد هسته ولی کرد بودن آنان دلیل پشتیبانی ما از آنها نخواهد بود بلکه هر شخصی در هر مقامی که باشد اگر ناصالح بود مورد نفرت ماست و ما خواهیم گوئیم که دست او را از گریبان مردم کوتاه نموده سعی خواهیم کرد بکیفر اعمالش برسد و یا در موضوع زندانی نمودن اشغالی ما میخواهیم معلوم شود فلان شخصی که زندانی شده برای چیست اگر مقصر است تیبیه شود و اگر بی تقصیر است زندانی کننده تیبیه گردد.

در اینجا لازم میباشیم توجه ستاد ارتش را باین امر جلب نمائیم که تیب بر کنار بودن سرهنگ پایندر از فرماندهی تیب سفز کافی نیست بلکه از لحاظ حفظ مصالح کشور لازم است از هلیات او تحقیقات کامل شود و بیزان تعدیر، شیط و شفا با جنابت هالی که نموده بگیر داده شود و نباید باین اکتفا نمود که او را از سفز بردارند و در کرمانشاه بفرماندهی تیب بگذارند.

با اطمینانی که به بی غرضی و بیبوت برستی رئیس ستاد ارتش داریم منتظریم ایشان در این باب جدیت خاصی مبذول دارند.

عید ملی نوروز را بعموم هم میهنان
شادباش میگوئیم و موفقیت عموم
را در راه عظمت کشور از خداوند
خواستاریم.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالیانه ۲۰۰ ریال

لک شماره ۳ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود و اداره روزنامه در درج

با حك و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره: خیابان بهلولی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ بیباشد